

موقعیت جنبش کارگری

جمع‌بندی از موقعیت جنبش کارگری ایران،

حجم و دامنه اعتراضات کارگری دوره اخیر، در تاریخ جنبش کارگری ایران کم سابقه است. نامه های شکایت آمیز کارگران به مسئولین حکومتی، تحصن، اعتصاب، راهپیمایی، بستن جاده ها، تجمعات متعدد در مقابل وزارت کار، سازمان تامین اجتماعی و مجلس شورای اسلامی و... اشکال گوناگون اعتراض کارگران در این دوره بوده است. وضع فلاکت بار کارگران و بازتاب آن در طرح مطالبات ابتدائی خود و سردادن شعارهایی علیه مسئولین مربوطه و سران فاسد حکومتی و استفاده از اشکال خیابانی مبارزات، علیرغم ممنوعیت قانونی آن، آن چنان ابعادی به خود گرفته است که به «خوشه های خشم» قابل تشبیه است.

بیکارسازی ها که از دوران به اصطلاح سازندگی (رفسنجانی) تحت عنوان «سیاست تعدیل اقتصادی» شروع شده بود ابعاد گسترده تری پیدا کرده است. گروه گروه کارگران با سابقه از کارخانجات بزرگ و متوسط صنعتی اخراج می شوند و جای آن ها را تعداد کمتری از نیروهای جدید با قراردادهای موقت کار اشغال می کنند. این روش، امروزه به یک مدل برای بهره وری بیشتر از نیروی کار ارزان و کاهش سطح هزینه ها در اکثر کارخانجات کشور به کار گرفته می شود. چنین مدلی در جامعه سرمایه داری مدل اسلامی بسیار طبیعی جلوه می کند و اعتراضات کارگری در مقابل آن عموماً ناکام است.

نپرداختن حقوق های عقب افتاده شایع ترین علت و انگیزه اعتراضات کارگری بوده و هست که غالباً این حرکات با چنین انگیزه ای بشدت توسط نیروهای انتظامی حکومت سرکوب می شود ولی پیگیری و اعتراضات حول درخواست «مزد در مقابل کار» بی وقفه ادامه دارد.

خصوصی سازی شرکت های دولتی که با مدیریت ناسالم اداره می شوند با زدن چوب حراج به افرادی واگذار می شوند که در «شبکه نامرئی خودی ها» فعال هستند. این افراد که مستقیماً یا غیرمستقیماً به

هسته اصلی قدرت متصل هستند که نفوذ غالب در اقتصاد ایران دارند. صاحبان جدید با گرفتن وام های هنگفت وانمود می کنند می خواهند که واحدها به کار خود ادامه دهند ولی پس از مدتی به بهانه نداشتن سرمایه کافی و یا بالا بودن هزینه ها، کارگران را اخراج می کنند و یا اساساً واحدها را به تعطیلی می کشانند و بخشا همین واحدها هستند که از پرداخت حقوق معوقه کارگران سرباز می زنند که بخش قابل توجهی از اعتراضات کارگری در مقابل این نوع «خصوصی سازی» ها صورت می گیرد. در بستر این اعتراضات است که شعارهای تند علیه مسئولین و سران حکومت سر داده می شود و از همدلی حمایت اقشار دیگر جامعه برخوردار است. این نیرو، نیروی رادیکال جنبش کارگری ایران است که به مبارزات کارگران ایران رنگ سیاسی می زند. ولی باید پذیرفت که این اعتراضات رادیکال بیشتر از سر استیصال ناشی از فلاکت اجتماعی است و بنابراین خصلت دفاعی دارد و همچنان از پراکندگی رنج می برد.

خروج کارگران واحدهای کمتر از ۱۰ نفر از اصلی ترین ماده قانون کار که بخش عمده ای از کارگران ایران را از حقوق مسلم خود محروم می سازد و کارگران ایران را در زمره بی حقوق ترین کارگران دنیا قرار می دهد. همچنین خواست هایی چون اجرای طبقه بندی مشاغل، پرداخت وام مسکن در موعد مقرر، بهبود شرایط نامناسب کار، رسیدگی به وضعیت صنفی و معیشتی کارگران، برکناری مدیریت نالایق، لغو قراردادهای موقت کار، برخورداری از نمایندگان واقعی خود و مصون بودن آنها برای طرح خواسته ها و مسائل کارگری از جمله مطالباتی هستند که کارگران به خاطر آنها به تجمعات اعتراضی دست زده اند. این مجموعه مسائل جامعه کارگری ایران را به یکی از کانون های اصلی بحران اجتماعی - سیاسی ایران تبدیل کرده است.

مطالبات کارگران ایران را می توان در متن حرکات اعتراضی، در لابلای شعارها، سخن رانی ها، بیانیه ها و شکایت نامه ها بطور شفاف ملاحظه کرد که مهم ترین آنها عبارتند از:

- به رسمیت شناختن حق تشکل های مستقل کارگری
- به رسمیت شناختن حق اعتصاب
- بازپرداخت حقوق های عقب افتاده

- ایجاد امنیت شغلی و جلوگیری از «خصوصی سازی» (خودمانی سازی) شرکت های دولتی
 - لغو قراردادهای موقت و انعقاد پیمان های دستجمعی کار
 - افزایش دستمزدها متناسب با افزایش نرخ تورم
 - اجرای طرح طبقه بندی مشاغل
 - به رسمیت شناختن حق بیمه بیکاری
- تا زمانی که این مطالبات صنفی حداقل توسط حکومت و سرمایه داران تأمین نشود بحران در جامعه کارگری نه فقط تخفیف نمی یابد بلکه اعتراضات کارگری هر روز اشکال رادیکالتری به خود می گیرد. حکومت اسلامی بعنوان کارفرمای بزرگ به تجربه نشان داده است که توان پاسخگویی به این مطالبات را ندارد. باند ها و جناح های حکومت و تشکل هایی که به نام کارگران درست کرده اند تا در میان کارگران به نفع نظام اسلامی و علیه حقوق کارگران فعالیت کنند سیاست هایی را به طور مشخص پیش می برند که نه تنها هیچ دردی را از کارگران دوا نمی کند بلکه اصلی ترین عامل به فقر و فلاکت و بی حقوقی کشاندن جامعه کارگری ایران به شمار می آید. جناح خامنه ای - بازار با فریب کاری های ویژه خود، بحران جامعه کارگری و عدم تامین مطالبات ذکر شده را به گردن جناح خاتمی که قوه مجریه و مقتنه را در اختیار دارد می اندازند و جناح اصلاح طلبان به بهانه مشغله های سیاسی برای حفظ نظام از طریق اصلاحات سیاسی از پاسخگویی به خواسته های صنفی کارگران فطره می رود و تلاش می کنند که سطح مطالبات حداقل کارگران را کاهش دهند و تامین آنها را با وعده های تو خالی به تعویق بیاورند. نباید فراموش کرد که اکثر مصوبات دولت و مجلس که کاملاً در اختیار اصلاح طلبان حکومتی قرار دارد در حوزه های مطالبات کارگری، عمیقاً ضد کارگری و به نفع سرمایه داران و حکومت بوده است.
- تشکل های حکومت ساخته کارگری اعم از خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار و تشکل های جدیدالتاسیس انجمن های صنفی کارگران، کمتر از ۱۵ درصد مجموع کارگران را تحت پوشش خود دارند و شورا های اسلامی کار که وجود آن در واحد های بیش از ۳۲ نفر اجباری است نتوانسته اند که اعتماد زا باشند و اکثریت کارگران نسبت به ماهیت و عملکرد این تشکلهای هیچ اعتمادی ندارند. این تشکلهای در بهترین حالت مفسر تحولات جنبش کارگری از طریق گزارشهای هشدار آمیز به حکومت و تهدید

باید دید چه شکل هایی در دوره جدید به نام کارگران ایجاد می شوند، یا این که خود کارگران با تجربه و آمادگی لازم تحت نظارت و همکاری سازمان بین المللی کار می توانند شکل های مستقل خویش را بوجود آورند؟

وظیفه ما عبارت از انتقال تجربه ها، ترویج و تبلیغ خودسازماندهی سراسری کارگران ایران می باشد. بدون ارتقا یافتن این جنبش سراسری در جهت کسب یک پلاتفرم صنفی - سیاسی کارگری که دربرگیرنده مهم ترین مطالبات مشترک کارگری بوده و در روند سازمان یابی جنبش کارگری شکل واقعی و جای خود را در روند مبارزه تامین نماید، راه دیگری وجود ندارد. سمت و سوی تحولات جنبش کارگری ایران را مضمون پلاتفرم صنفی - سیاسی کارگران ایران جهت می دهد. این «خوشه های خشم» بدون چنین پلاتفرمی و خودسازمان دهی نمی توانند بر پراکندگی و استیصال خود غلبه کنند و در تحولات سیاسی آینده نقش شایسته خود را ایفا نمایند.

کمیسیون کارگری

خرداد ۱۳۸۲

اعلامیه کانون نویسندگان ایران

روزی نیست که در این سرزمین با خبر ناگواری روبرو نشویم، با آنکه بس نوشته ایم و گفته ایم و هیچ گوش شنوایی نبوده است، هرگز از گفتن و نوشتن، باز نمیانیم. باری ما را از این اعتراضها که مکرر و مکرر می شود، گزیری نیست که ما نویسنده ایم و نوشتن حرفه ما است و خموشی چاره این رفتارهای ظالمانه نیست.

تشکیل مجمع عمومی کانون نویسندگان را مانع شدند، از نشستهای ماهانه بی بهره ماندیم و اهل قلم، همچنان یکی پس از دیگری به بهانه های وافی و البته به جرم نوشتن، روزنامه نگار، نویسنده و عضو کانون نویسندگان ایران، هم اکنون در بند است. شمار دیگری از روزنامه نگاران نیز از جمله حسین باستانی، سعید فروغزاد و سعید فقیه نصیری، در روزهای اخیر بازداشت شده اند و هولناک تر از همه، مرگ مشکوک زهرا کاظمی، خبرنگار. و فردا چه در پیش خواهد بود، پرسش بی پاسخ همه ما است.

جامعه می داند. ولی از شرکت در مبارزات کارگری و کمک به خودسازماندهی کارگران ظفره می روند. یک گرایش ضعیف در میان چپ ایران نیز وجود دارد که مبارزات کارگری را تشویق کرده و هدفش از فعالیت در میان کارگران، صرفاً تبلیغ حزب خود و قراخوان به پیوستن کارگران به حزب خود می دهد و بیشتر بجای طرح خواست ها و مطالبات جاری کارگران به تبلیغ عضوگیری کارگران در صفوف حزب می پردازد و هیچ برنامه عملی جز پیوستن کارگران به حزب خود و شعار حکومت کارگران ندارد!

فضای عمومی جنبش کارگری ایران نشان می دهد که مواضع نیروهای روشنفکری، فعالین سندیکایی و اکثریت چپ ایران نزدیکی بیشتری با حرکات کارگری، چه از نظر اشکال مبارزاتی و چه از زاویه مطالبات جاری دارد. این نیرو می تواند همگام با تحولات این جنبش بیشترین تاثیر را در میان کارگران ایران داشته باشد.

از آن جا که حق تشکل مستقل کارگری صنفی - توده ای، حق اعتصاب و.. موضوعات اصلی سیاست کارگری در ایران است این مطالبات می تواند با مطالبات دیگر جنبش های اجتماعی قابل جمع شدن باشد و جنبش کارگری می تواند از همدلی و حمایت دیگر جنبش های اجتماعی برخوردار شود. این مطالبات می تواند عظیم ترین نیروی جامعه را به نفع کارگران و زحمتکشان علیه حکومت و سرمایه داران به حرکت درآورد. شرایط سیاسی به ضرر حکومت در حال تغییر قطعی است.

سازمان بین المللی کار که چندی پیش نسبت به عدم وجود تشکل های واقعی مستقل کارگری اعتراض خود را به حکومت ایران تسلیم کرده بود علیرغم مخالفت های حکومت و تشکل های دست ساخته اش در میان کارگران مجبور به پذیرش گشایش دفتر سازمان بین المللی کار در تهران شده است. البته حکومت و تشکل هایش به بهانه هماهنگی و همکاری با این سازمان سعی در چانه زنی برای جلوگیری از تشکل های واقعی مستقل برخواهند آمد. اگر بپذیریم که دوره تشکل های حکومتی به اسم کارگران در جنبش کارگری ایران بسر آمده باشد باید منتظر بود که این تشکل های حکومتی برای دوره بعد، از خود تشکل های قلابی دیگری درست کنند که مورد تایید سازمان بین المللی کار قرار گیرد!

کارگران برای جلوگیری از اقدامات اعتراضی رادیکال و تکرار بخشی از مشکلات کارگران برای مهار حرکات کارگری می باشند. روش فعالیت سازمان نیافته این تشکلها علیرغم اختلافات، برای گرفتن سهم بیشتر از حکومت و بازسازی اعتماد در میان کارگران و همراهی با بخشی از خواستهای جاری کارگری یا جلوگیری از حرکات غیرقانونی و تسلیم آن ها در مقابل سرکوب و وعده های حکومت است. قراخوان های این تشکلها در مناسبت های رسمی با تحریم اکثریت کارگران مواجه می شود و وعده قلیلی هم که در این فعالیتها شرکت می کنند با دادن شعارهایی در وسط برنامه و حین سخن رانی ها و تاکید بر خواست های کارگری و افشای فقر و فلاکت اجتماعی کارگران، جلسات را بر هم می زنند. که مسئولین این تشکل ها بارها به این مسئله اقرار کرده اند و به حکومت هشدار داده اند که اگر این خواست های حداقلی تر از حداقل تامین نشوند این تشکل ها کاررایی خود را از دست می دهند.

در مقابل حکومت و سرمایه داران، گرایش های سیاسی مختلفی عرض اندام می کنند. بخشی از روشنفکران، فعالین سندیکایی و بخش وسیعی از چپ ایران چه در داخل و چه در خارج کشور از طریق طرح جامع مطالبات کارگری و افشای سیاست های مافیایی حکومت و دسیسه های سرمایه داران، سعی در پشتیبانی کامل از مبارزات و مطالبات کارگری دارند. این نیروها این تمایل را دارند که در این مبارزات خودانگیخته شرکت جویند و با نیروی کار حزبی بیشترین تاثیر را به جای نهاده و به تدوین پلاتفرم مطالبات کارگری ایران و خودسازماندهی آن ها کمک کنند. این مهم در صورتی تعیین می یابد که این نیروها به پراکنده بودن های درونی خود فائق آمده و ارتباط نزدیک تری با جنبش طبقه کارگر برقرار سازند.

سلطنت طلبان و بخش مهمی از نیروهای ملی - مذهبی و نیرویی که طی سال های اخیر جمهوری خواه شده اند نسبت به مطالبات کارگری بی اعتنا هستند و حرکات اعتراضی کارگران را جزیی از نارضایتی عمومی جامعه علیه وضعیت موجود به حساب می آورند.

بخش کوچکی از نیروهای ملی - مذهبی و جمهوری خواهان کلاسیک ایرانی بر مطالبات حداقل کارگری تاکید دارند و جنبش کارگری ایران را به رسمیت می شناسند و تامین خواست های کارگری را به صلاح